

نهضت معجم‌نویسی

دکتر مجتبی رحماندوست^۱

دانشیار دانشگاه تهران

(از ص ۱۸۱ ص ۲۰۰)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۰۳/۲۷، پذیرش: ۱۳۹۰/۰۶/۰۲

چکیده:

به موازات گسترش دامنه علوم، ذهن تخصص‌گرای انسان متفکر، اقبال بیشتری به تخصصیتر شدن موضوع کتابها و مدارک علمی، نشان داده است. انسان محقق همواره می‌کوشد در برخورد با مجهولات، بدون اتلاف وقت و گسسته شدن رشته تحقیقات و افکارش، در کوتاهترین زمان ممکن، به پاسخی مطمئن دست یابد.

در برخورد با تألیفات و منابع گرانقدر تاریخی، که نفس استناد به آن کتب و استفاده از آنها موضوعیت دارد، راهی جز تهیه کتب کلید مناسب برای هرکدام که مطالب مندرج در آنها به شکل الفبایی تنظیم شده باشد، وجود ندارد. گسترش دامنه علوم، حفظ اصالت‌ها، جلوگیری از انواع تحریفها و ضرورت دستیابی سریع به مطالب مورد نظر، مهمترین علل گرایش به معجم‌نگاری است و میتوان گفت که امروزه مهمترین علت توجه به این فن، آسان ساختن دستیابی به مطالب مورد نظر است. بنابراین معجم‌نگاری یکی از شاخه‌های فنی و علمی طبقه‌بندی اطلاعات است که در عرصه اطلاع‌رسانی کاربردی وسیع دارد.

شاید بتوان گفت فرهنگهای لغت از نخستین کتب کلید و تألیفات منظمی هستند که در شاخه‌ای از ادبیات تألیف شده‌اند و ریشه دراز تاریخی دارند. بموازات آن، کار تدوین راهنمای الفاظ قرآن نیز کار تازه و بیسابقه‌ای نیست.

معجم حدیثی سابقه تاریخی زیادی ندارد اما حرکت‌های خوب و شایسته‌ای که در خلق معجم فراهم آمده نشان از تحرکی عظیم در این عرصه و توجهی شایسته دارد.

واژه‌های کلیدی: کتاب کلید، معجم‌نگاری، منابع اسلامی، معجم لفظی، معجم

موضوعی.

۱. پست الکترونیکی نویسنده: rahmandost@ut.ac.ir

مقدمه

جایگزین شدن رایانه بجای وسایل محاسباتی قدیم، سبب شده است که انسان تمایل بیشتری به تسریع در فکر و عمل نشان دهد و گامهای مؤثری در جهت دسته‌بندی متراکم علمی بردارد که ذخیرهٔ قرن‌ها تلاش بشر است.

اکنون خوانندگان، مذاق کثکول‌پسندی خود را از دست داده‌اند. رده‌های متوسط و معمولی مردم نیز، گرایش کمتری بسوی کتب و مجموعه‌هایی دارند که حاوی مطالب گوناگون و متنوع است. تألیف کتبی که دارای موضوعی واحد یا حداکثر چند موضوع محدود است، سال‌هاست که شیوهٔ رایج تألیف و تحقیق شده است. به موازات گسترش دامنهٔ علوم، ذهن تخصص‌گرای انسان متفکر، اقبال بیشتری به تخصصی‌تر شدن موضوعات کتب و مدارک علمی، نشان داده است. انسان محقق همواره میکوشد که در برخورد با مجهولات، بدون اتلاف وقت و گسستن رشته تحقیقات، مطالعات و افکارش، در کوتاهترین زمان ممکن، به پاسخی اطمینان‌آور و آرامش‌بخش دست یابد.

در فضای فناوری و علوم تجربی، امکان بیشتری برای خلق آثار تخصصی وجود دارد؛ لذا در این قبیل موضوعات، آثار بسیار دقیقی تألیف شده که موضوع اصلی کتاب، از ابتدا تا انتهای آن، کاملاً حفظ شده است. بنابراین برای محققانی که در جست‌وجوی موضوعات یادشده هستند، راه‌های کوتاه‌تری در پیش است؛ خصوصاً امروزه، که با استفاده از ماشینهای عظیم یا متوسط محاسبه سرعت میتوانند الگوهای موجود در منابع تحقیق را برسوزنه مورد نظر منطبق سازند. در کنار موضوعی شدن تألیفات مزبور، اگر عامل تکامل ابزار و روش‌های محاسبه را نیز بیفزاییم، به تفاوت عظیم نتایج تحقیق در گذشته و حال پی میبریم. ابزارها هر روز کامل و کاملتر شده‌اند و امروزه ابررایانه‌ها و حتی رایانه‌های متوسط و کوچک بعنوان یاورانی توانمند به یاری انسان محقق شتافته‌اند.

اما در موضوعات اجتماعی، ادبی، سیاسی، مذهبی، و سایر مسایل غیر تجربی، عدم امکان برخورد‌های دقیق محاسباتی و آماری آنگونه که در عرصه‌های علوم تجربی موجود است، پیداست؛ لذا در برخورد با تألیفات و منابع گرانقدر تاریخی قرون گذشته،

که نفس استناد به آن کتب و استفاده از آنها موضوعیت دارد، راهی جز تهیه کتب کلید مناسب برای هر کدام، وجود ندارد. میتوان گفت فرهنگهای لغت از نخستین کتب کلیدی هستند که در شاخه‌ای از ادبیات تألیف شده‌اند و ریشه دراز تاریخی دارند.

درباره متون اصیل مذهبی یعنی قرآن کریم و سخنان پیامبر اسلام (ص)، تألیف کتب راهنما و کلید - بشکل مدرن آن - با اروپایی‌های غیر مسلمان آغاز شده است؛ چرا که تکامل فکر سیستم‌گرا و نظم‌طلب، محصول تأثیر متقابل انسان و ماشین است که در آن خطه رشد بیشتری داشته است. این سخن به آن معنا نیست که مسلمانان در این مسیر کوششی نکرده‌اند. مشهور است که «کشف الآیات»، نخستین کلید قرآن است که توسط «میرزا محمدرضا عبدالحسین نصیری طوسی» در سال ۱۰۶۷ قمری یعنی بیش از ۳۶۰ سال پیش تهیه شده و هنوز پس از گذشت این سالیان دراز مورد استفاده است.^۱

اما پیش از آن، در قرن نهم، آیه الآیات فرقانی توسط «احمد بن محمد المدون نیشابوری»، به زبان عربی تألیف شده و چه بسا پیش از آن نیز آثاری به رشته تحریر درآمده باشند. همچنین تلاش مرحوم «علامه محمد باقر مجلسی» برای آوردن آیات قرآن کریم ذیربط در ابتدای هر موضوع و ذکر تفسیر آنها، پیش از نقل روایات مربوط به یک موضوع خاص در کتاب گرانسنگ بحار الأنوار، بگونه‌ای طبقه‌بندی آیات و تفسیر موضوعی آنها است. اگر این آیات را از دل مجموعه بحار الأنوار بیرون آوریم و بصورتی جداگانه منتشر کنیم، متوجه ارزش بیش از پیش این عمل میشویم (همان، ص ۱۸۲۵)؛ چرا که با یک معجم موضوعی از آیات قرآن روبه‌رو خواهیم شد که واجد نود موضوع اصلی و یکصد و چهل موضوع فرعی است و در واقع نخستین معجم موضوعی آیات قرآن کریم بشمار میرود.

در هر صورت، همان‌طور که گفته شد، تحول و تکامل این دانش به دست غربیان شکل گرفت و از این‌رو یک مستشرق فرانسوی به نام «ژول لایبوم» در سال ۱۸۷۸ میلادی مجموعه موضوعی قرآن کریم را از روی ترجمه فرانسوی قرآن کریم با نام

۱. این کتاب بصورت ملحق به آخر قرآن کریم در انتهای بعضی از چاپهای قرآن کریم منتشر شده است.

«تفصیل الآیات» تدوین و منتشر می‌کند. بعدها مستشرق مسیحی هموطن او «دوارد مونتیه» آن را تکمیل می‌کند و المستدرک را به آن می‌افزاید؛ از سوی دیگر معجم الفاظ قرآن کریم موسوم به نجوم الفرقان فی أطراف القرآن را مستشرق معروف آلمانی «گوستاو فلوگل» تهیه می‌کند و به کوشش «محمد دبیر سیاقی» در ایران منتشر می‌شود و معجم هفت جلدی سخنان پیامبر گرامی اسلام (ص) در کتب اهل سنت را «آرنت جان ونسینک» هلندی پایه می‌گذارد و نخستین جلد آن را در سال ۱۹۳۶ از طبع خارج می‌کند و «محمد فؤاد عبدالباقی» آن را از زبان انگلیسی به عربی برمیگرداند و بعدهاست که این حرکت در بین مسلمانان پیگیری می‌شود.^۱

سابقه معجم‌نگاری در فرهنگ اسلام

به کتابهایی که مطالب مندرج در آنها بشکل الفبایی بر اساس موضوعات یا الفاظ تنظیم شده است و یا نحوه تألیف و تنظیم کتاب اقدامی است برای دسته‌بندی لفظی یا موضوعی کتابهای دیگر، عنوان معجم یا کتاب کلید اطلاق شده است. در مقدمه کشف‌الظنون روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که، در صورت صحت، نشان می‌دهد نخستین بار رسول خدا (ص) این واژه را بکار برده است. فی حدیث اَبی ذر (رضی الله عنه) قال: یا رسولَ الله، أیُّ کتابٍ أنزلَ اللهُ علی آدمَ علیه السلام؟ قال: کتاب المعجم. قلتُ: أیُّ کتابِ المعجم؟ قال: أ، ب، ت، ث، ج... قلتُ: یا رسولَ الله کم حرفاً؟ قال: تسعةٌ و عشرون حرفاً (ابن عبدالله القسطنطینی، ۲۵/۱). با عنایت به این حدیث بعدها علمای حدیث اولین افرادی بودند که این کلمه را در تألیفات خود بکار برده‌اند و اولین اثری که در اسلام به این نام تألیف شده، کتاب معجم الصحابة از «ابویعلی احمد بن علی مثنی تمیمی» مشهور به واعظ موصلی است و سپس در همین فن، معجم الکبیر و معجم الصغیر از «ابوالقاسم عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز بغوی» است و پس از آن، این کلمه در معجم‌نگاری علوم دیگر بکار برده شده است (آمدی، ۱۳۸۱، ص ۷).

۱. برای نمونه میتوان از کتب: ترتیب زیبا، فتح‌الرحمن، المرشد، و مفتاح کنوزالقرآن نام برد.

دکتر «محمود رامیار» در مقدمه فهرست خود معروف به *فهارس القرآن* مینویسد: «کار تدوین راهنمای الفاظ قرآن کار تازه و بی سابقه‌ای نیست. از همان صدر اسلام، بودند کسانی که به شمردن آیات و کلمات الهی اشتغال ورزیده‌اند و یا چند سده بعد راهنما و کشف الآیات و حتی کشف الکلمات برای آن ترتیب داده‌اند. برای این نوع فهرست‌نویسی، در ابتدای کار تنها به فهرست مطالب اکتفا میشد. کم‌کم فهرست آیه‌ها تدوین شد و بنام کشف الآیات شهره گردید. سپس فهرست کلمات قرآنی تهیه شد و بعلت شهرت نام کشف الآیات همان نام بر این دسته از فهرستها نیز اطلاق گردید. نمونه‌ای از فهرست آیه‌ها، کشف الآیات از «ملا موسی هزاره‌ای» است. پس از آن فهرستی به نام *الرسالة الواضحة لإستخراج الآيات القرآنية* از «ملا محمد علی بن علی کربلایی» شاگرد ابن خاتون است که آن را به نام سلطان عبدالله قطب شاه نوشته است. همچنین کشف الآیاتی از «مصطفی بن محمد سعید» موسوم به *علامات نجوم الفرقان* وجود دارد که ظاهراً کلمات قرآنی را بصورت مکتوب کلمه به کلمه ضبط کرده است» (رامیار، ۱۳۷۹، ص ۸).

سابقه تهیه معجم لفظی برای حدیث، خیلی دور نیست و میتوان گفت مؤلفی هلندی به نام «آرنت یان ونسنگ» با تألیف کتاب «المعجم المفهرس لألفاظ الحدیث النبوی» معجم‌نگاری حدیث را وارد مرحله جدیدی کرد. معجم‌نگاری کتب حدیثی شیعی نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مورد توجه بیشتری قرار گرفته و شتاب آن بگونه‌ای است که انتظار می‌رود تأخیر خویش را زودتر از آنچه پیش‌بینی می‌شود، جبران کند. معجم‌هایی که برای *نهج البلاغه*، *وسائل الشیعه*، *بحار الانوار*، *اصول کافی* و کتب اربعه فراهم آمده و طرح‌هایی چون تدوین معجم احادیث شیعه، نشان از تحرکی عظیم در این عرصه و توجهی شایسته دارد (آمدی، ۱۳۸۱، ص ۹).

ضرورت، اهمیت، و فوائد معجم‌نگاری

قرآن و حدیث دست‌مایه‌های اولیه تمامی تحقیقات اسلامی‌اند و تمامی رشته‌های علوم اسلامی بگونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم از این دو منبع تغذیه میشوند. هیچ محقق و

اسلام‌شناسی نمیتواند بدون بهره‌گیری از این دو منبع عظیم، تحقیقی ارزنده عرضه کند. تبویب اکثر کتب حدیث براساس نیازها و ضرورتهای گذشته، شکل گرفته است. پیشرفت علوم و جوامع، تنوع نیازها، و همچنین تحقق انقلاب اسلامی در ایران، هزاران سؤال و مسئله جدید پیش روی پژوهشگران دینی قرار داده است که لازمه پاسخ دادن به آنها نگرشی تازه به منابع اسلامی است. بنابراین ضروری می‌نماید که برای برداشتن قدمهای آغازین جهت ارائه تحقیقاتی استوار، به تبویب چندمنظوره و عام کتب حدیث پرداخت تا دستیابی محقق به منابع مورد نظر سهلتر صورت پذیرد (همان، ص ۷).

در تحلیل و بررسی روش‌های معجم‌نگاری باید به این نکته توجه داشت که کدام روش به سهولت و سرعت در دستیابی نزدیکتر است و محقق را سریعتر به مطلب موردنظر میرساند (همان، ص ۸). در مقدمه کتاب *مفتاح كنوز السنّة* کلید موضوعات سخنان نبی اکرم (ص) در کتب اهل تسنن، که همان معجم احادیث نبوی در مقیاس کوچکتر است، از قول دانشمند و مفسر نامی مسلمان، «رشیدرضا» نقل شده است که اگر از ابتدای اشتغال به تحقیق در آثار و سنت نبوی، چنین کتابی در اختیارم بود، سه چهارم عمرم ذخیره میشد (ونسک، ۱۴۰۴، ص ۳).

مرحوم «شیخ عباس قمی» در مقدمه *سفینه البحار* میگوید وقتی دیدم اخبار موردنظر در ابواب مختلف پراکنده است، بنحوی که برای احادی اطاعه به آن امکان ندارد مگر با صرف وقت زیاد و کاوش و جست‌وجوی فراوان، اقدام به تألیف این کتاب کردم (قمی، شیخ عباس، ۱۳۶۳، ص ۶).

«سید محمد جواد مصطفوی» در مقدمه جلد اول *مفتاح الوسائل* می‌نویسد: «کتاب *وسائل الشیعه* به سبب احادیث فراوانش، در مواردی، دچار تقدم و تأخر در نقل احادیث یا تکرار آنها شده است و بعضاً حدیثی در بابی که به موضوع آن مربوط نمی‌شود ذکر شده؛ بطوریکه محقق در راه رسیدن به مطلوب خویش حیران میگردد؛ مثلاً اگر بخواهد حدیث «*الفطر يوم یفطر الناس والأضحی يوم یضحی الناس*» را در کتاب «*الحج*» جست و جو کند، آن را نخواهد یافت؛ زیرا در کتاب «*الصوم*» ذکر شده است؛ یا اگر به دنبال روایت مربوط به علاج خون حائض و قطع آن در کتاب *الحیض* بگردد، آن را نیز

نخواهد یافت؛ زیرا در کتاب *الحج* نوشته است. همچنین احادیث مربوط به ترحم به یتیم، در کتاب *النکاح* آمده است (مصطفوی خراسانی، ۱۳۶۳، ص ۵)؛ بنابراین ضرورت رواج استفاده از معجمهای لفظی و موضوعی بیش از پیش آشکار میشود.

ثمرات رواج معجمها و بهره‌برداری از آنها

۱. **دسترسی به ابعاد مختلف یک موضوع:** با تهیه معجم الفاظ یا فهرست موضوعی برای کتب اصیل اسلامی، آسانتر میتوان سایر ابعاد مربوط به یک موضوع را مورد تحقیق، بررسی و مطالعه قرار داد و در آخر از ارائه نظریات تک‌بعدی برحذر ماند. در یک تحقیق همه‌جانبه و چندبعدی، کلیه ارتباطات قوی و ضعیف موضوع مورد مطالعه با سایر موضوعات بررسی میشود.

۲. **رواج روحیه تحقیق:** پی بردن به اشکالات علمی پیشینیان و قصور تحقیقاتی آنان با استفاده از کتب کلید امکان‌پذیر است. اصولاً با تهیه این کتابهاست که اولین قدم در بازنگری تحقیقات علمای گذشته و بررسی و ارزیابی محصولات علمی آنان، برداشته میشود. میتوان به مطالب تهیه‌شده از این طریق، اطمینان بیشتری داشت و نسبت به عمیقتر بودن آنها اعتقاد پیدا کرد.

۳. **افزایش جرأت علمی در اظهار نظرها:** بسیاری از علمای باتقوا پس از صرف وقت زیاد، در تحقیق پیرامون یک موضوع و گردآوری و تنظیم و تدوین مجموعه تحقیقاتشان، در پایان راه به خود جرأت اظهار نظر قاطع نداده‌اند و با عباراتی از قبیل شاید، احتمالاً، چه‌بسا، به نظر میرسد، و موارد مشابه، کار را بدون نتیجه‌گیری لازم و بصورت نیمه تمام باقی گذاشته‌اند. هنگامی که از استاد شهید مطهری درباره صحت انتساب حدیث «إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَ جِهَادٌ» به امام حسین (ع) سؤال شد، آن محقق باریک‌بین و متقی فرمودند: من چنین جمله‌ای را در مطالعات خویش نیافته‌ام (مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، صص ۳۲ و ۳۱). گرچه او کسی بود که اگر قاطعیت بیشتری در اظهار نظر خویش نشان میداد، باز هم سخنش، پذیرفته بود، اما آیا با ظهور معجمها امکان ارائه پاسخهای قطعی‌تر ایجاد نمیشود؟

پرواضح است که هرچه احتمالات به سوی قطعیت بیشتری میل پیدا کند، ارزش علمی بیشتری دارد. البته نباید انتظار داشت که رواج کتب کلید، قدرت اظهارنظر در تمام مسائل را افزایش دهد، زیرا برخی مسایل عرفانی، تفسیری، اخلاقی، و غیره در کلیشه فهرست، معجم، و کتب کلید نمی‌گنجد.

۴. **جلوگیری از گم‌شدن هدف:** محقق برای ورود به معاجم و کتب کلید، چاره‌ای جز تعیین کلید واژه‌های فرعی و اصلی ندارد؛ بنابراین در طول تحقیق، محوریت و موضوعیت کلید واژه‌ها حفظ می‌شود و فرد به موضوعات جنبی و پیرامونی وارد نمی‌شود؛ و بدین وسیله هدف اولیه تعیین‌شده و از طریق کلمات کلیدی، هدف را مراقبت می‌کند.

۵. **گشودن گره‌های باز نشده علمی:** تردیدی نیست که بعلت فقدان دید مسلط بر تمام جنبه‌های فرهنگ اسلامی، برخی مسائل بصورت گره‌های تاریخی باقی مانده‌اند. این گره‌های کور، با در دست داشتن کلیدهای دقیق از متون اصیل اسلامی باز شدنی‌اند.

۶. **استفاده از نیروهای کم‌تخصص‌تر برای تهیه مواد خام تحقیق:** در یک کار تحقیقی وسیع و همه‌جانبه، جست‌وجو در میان کتابهای مرجع برای تهیه مواد خام و فیشهای مورد نیاز، وقت زیادی از محقق را به خود اختصاص می‌دهد. در صورت فقدان کتب کلید یا در دسترس نبودن آنها، این کار اغلب توسط شخص محقق صورت می‌گیرد. پیداست که رواج کتب کلید، سبب صرفه‌جویی زیادی در وقت محققان خواهد شد و آنها خواهند توانست با استفاده از کار فیزیکی نیروهای کم‌تخصص‌تر، بسیاری از مواد خام مورد نیاز را، پیش روی خود حاضر و آماده داشته باشند. در مرحله بعد به انتخاب یا رد مواد اولیه مرتبط یا غیرمرتبط اقدام کنند. از دیگر فوائد استفاده از کتب کلید میتوان باختصار به موارد زیر اشاره کرد:

۷. صرفه‌جویی بسیار چشمگیر در وقت و امکانات محقق

۸. افزایش خلاقیت ذهنی و برداشتهای اصیل؛

۹. تازگی و طراوت مطالب حاصل از مطالعه متون اصیل و امکان تفسیر و تحلیل و برداشتهای جدید.

مضار استفاده از معجمها و آفات احتمالی آن

۱. برخورد آماری با کلیه موضوعات: برخورد آماری با کلیه موضوعات مورد تحقیق، یکی از آفتهایی است که احتمالاً از سوی قشر علم زده، بصورتی افراطی، بروز میکند و به نظر میرسد که این امر خالی از بینشهای اصالت تجربه غرب گرایانه نیست. گرچه بینش غربی، یعنی مقدم داشتن علم بر مذهب، تاکنون تجلیات فراوان و گوناگونی داشته است، اما علم زدگان مسلمانی که طرفدار علم محض بوده‌اند و اسلام را در صورتی می‌پسندند که مورد پذیرش علم، آن هم مفهوم محدود علم، باشد، میتوانند از اطلاعات حاصل از این دسته کتب نیز، همچون ابزاری در جهت گسترش گرایشهای خویش استفاده کنند.

۲. احساس بی‌نیازی کاذب نسبت به مقدمات علوم اسلامی: با مراجعه به کتب کلید، عده‌ای احساس خواهند کرد، بیش از آنچه که تاکنون بوده، میتوانند در سلک صاحبان فتوا درآیند و نظریه‌پردازی کنند. اینگونه نظریه‌پردازی همان گرایش تاریخی مشهوری است که پیش از این در چهره‌های گوناگون متجلی شده است. دو نمونه بارز این گرایش در عصر حاضر، گروهک فرقان در ایران و وهابیان در حجاز است.

۳. به میدان آمدن سوداگران کم سواد: دور از انتظار نیست که با رواج بی‌رویه کتب کلید، سوداگران کم سواد نیز به بازار کار خود رونق دهند. آنها، که اصطلاحاً نه دود چراغی خورده‌اند و نه در راه مطالعه و تحقیق رنجی برده‌اند، خوان گشوده‌ای را فراروی خود خواهند یافت که میتوان سالها از آن بهره برداشت. کافی است با مطالعه عددی و آماری بخشی از محتوای همان کتاب و مقایسه آن با بخشی دیگر، مقاله‌ای بلند ترتیب داده و به انواع نتیجه‌گیری‌ها اقدام کنند.

۴. بی‌احترامی به علمای گذشته: روشن است که کار با وسایل پیشرفته امروزی بسیار سریعتر و دقیقتر از گذشته انجام میشود. کارهای گذشتگان مبتنی بر همت فردی آنها و صرف وقت بسیار بوده است و پیداست که چنین کارهایی خالی از اشکال نباشد. تدوین کتب کلید جدید، این اشکالات را برملا خواهد کرد و فرصت را به دست خرده‌گیرانی خواهد داد که با کنار هم نهادن دو اثر و با یافتن نواقص کار گذشتگان،

درصد کسب فضیلتی برای خود برآیند. اما مگر به صرف چنین احتمالاتی، میتوان از منافع فراوان این نهضت علمی چشم پوشید؟ همچنان که برخی از اختراعات و اکتشافات علمی، با وجود منافع قطعی، با آفات و بلایایی نیز همراه بوده‌اند و با وجود این عاقلان و اندیشمندان عالم هرگز نگفته‌اند که نباید اختراع و اکتشاف ادامه یابد.

علل رونق نیافتن معجمها

۱. سنگین بودن مراحل اولیه کار: برای تهیه و تدوین کلید ابتدا باید تمام متن مورد نظر مطالعه و با دقت تمام فیش برداری شود. سپس لازم است این فیشها حداقل در دو مرحله با متن تطبیق داده شوند تا نواقص آن تکمیل و زواید آن زدوده شود. بعد از این مرحله، نوبت به تنظیم الفبایی فیشهای تهیه شده میرسد که حجم گسترده‌ای از کار است؛ چرا که تهیه کتب معجم اصولاً برای کتب عظیم و پرمطلب موضوعیت دارد. برای تهیه معجمهای موجود، از آغاز کار تا انتشار آنها، سالها وقت صرف شده و در بعضی موارد، بدلیل سنگینی این عمل، بارها کار در نیمه‌های راه قطع شده و چه بسا سالها بعد ادامه یافته است. برای تهیه معجم احادیث نبوی، از شروع فیش برداری تا انتشار آخرین جلد آن نیم قرن و بلکه بیشتر زمان صرف شده است.^۱ فقط تهیه فیشهای معجم الفاظ بحار الانوار و تطبیق اولیه این فیشها چندین سال به درازا کشید. تفکیک الفبایی آنها، مراحل دیگر نظیر حروف چینی، تطبیق مجدد، تصحیح نسخه اولیه، چاپ، صحافی، و باقی کارها، عمری حدود ده سال را به خود اختصاص داد. در این مدت یک میلیون و چهارصد هزار فیش تهیه و تطبیق شد. در یک محاسبه تقریبی میتوان گفت حدود دویست هزار ساعت وقت، صرف این کار علمی شد تا به دست خواننده برسد.

۲. حجیم شدن معجمها: حجیم بودن کتب کلید و معجمها یکی از مهمترین علل رونق نیافتن آنهاست؛ بطور مثال المعجم المفهرس لألفاظ الحدیث النبوی حجمی برابر ۳۷۶۰

۱. جلد اول تا سوم این معجم به ترتیب در سالهای ۱۹۳۶، ۱۹۴۳ و ۱۹۵۵ و جلدهای چهارم تا هفتم در فاصله سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۹ به چاپ رسیده است.

صفحه دارد و المعجم المفهرس لألفاظ وسائل الشیعه در ده جلد و ۴۴۷۷ صفحه به طبع رسیده است.

۳. حل نشدن یک تناقض: تهیه و تألیف معجمها، نیازمند فیش‌نویسیهای بسیار پرحجمی است که اگر تطبیق‌های متعدد بعدی و تنظیم الفبایی و تفکیک اسم و فعل و صیغ مختلف را هم بدان بیفزاییم، کار فیزیکی عظیم و زمانبری را میطلبد که معمولاً فضیله اهل تحقیق و تدریس و قلم با اینگونه وقت گذاشتنها میانۀ خوبی ندارند. از سوی دیگر، مراحل اولیه کار خصوصاً مرحله فیش‌برداری و مرحله کنترل و تطبیق، نیاز به سواد و سلیقه علمی دارد و از عهده همگان بر نمی‌آید. این مشکل در مورد معجمهای لفظی به نحو چشم‌گیرتری بروز میکند؛ زیرا در معجمهای لفظی برخلاف معجمهای موضوعی، تهیه‌کننده فیشها احساس میکند از وقتی که صرف میکند، بهره علمی لازم را نمیبرد یا بهره‌ای که میبرد بسیار اندک است. «سید جواد مصطفوی» گردآورنده کتاب *الکاشف عن ألفاظ نهج البلاغه*، در مقدمه کتاب خویش مینویسد: «در سال ۱۳۳۰ شمسی به فکر افتادم که یک کشف‌الألفاظ شبیه کشف‌الآیات قرآن برای نهج‌البلاغه فراهم کنم و همیشه بطرز انجام آن فکر میکردم. ابتدا طریقی را پیش گرفتم، ولی پس از مدتی به نقص آن پی بردم. طریقی دوم هم دوام زیادی نیاورد؛ چون در اواسط کار متوجه شدم طرز بهتری را برای کار یافته‌ام. طریقی سوم را ادامه میدادم؛ لیکن متوجه بودم که در آن دو اشکال وجود دارد: یکی آن که ممکن است کلمه‌ای از نظر بیفتد و ضبط نشود و دیگر آنکه تصحیح و مراجعه ثانوی کلمه‌به‌کلمه آن به طور متوسط دو سال وقت لازم دارد. سرانجام به طریقی چهارمی ملهم شدم که ضمن آنکه محال است کلمه‌ای از قلم بیفتد، تصحیح آن هم در کمتر از ده روز انجام می‌یابد. این آسانترین و بهترین طریقی کار بود. این مرتبه هم از نوشته‌های قبلی صرف نظر کردم و مطابق طریقی چهارم کتاب را به پایان آوردم» (مصطفوی خراسانی، ۱۳۶۳، ص ۶).

مؤلف کتاب *فتح الرحمن* در مقدمه کتاب خود میگوید: همواره به خودم میگفتم که برای خدمت به کتاب خدا، باید به چنین امر واجبی اقدام کنم تا نیاز برادران مسلمان خودم را در این زمینه برطرف سازم. مدتی گذشت که در طی آن دو عامل متضاد در

وجود من منازعه میکردند: ۱. عامل رغبت به چنین اقدامی و چنین خدمت شریفی؛ ۲. عامل سنگینی کار و حجم زیاد آن، خصوصاً که یقین داشتم از انجام چنین عمل بزرگ و دشواری عاجزم؛ زیرا مخارج فراوان و یاران بسیار میطلبید؛ به علاوه دارای چنان شایستگی علمی نبودم که برای چنین کاری مناسب باشم. همواره قدمی به پیش مینهادم و قدم دیگرم را عقب میکشیدم؛ اما سرانجام عامل رغبت و اقدام پیروز شد (علمی‌زاده، ۱۹۸۲، ص ۸).

۴. نظریه تقدم پاک‌سازی بر تهیه معجم: این دیدگاه که ابتدا باید صحت و اعتبار احادیث، آثار، و اسناد تاریخی و سایر محتویات متون اسلامی را ثابت کرد و آن‌گاه به تهیه کلید جهت راه‌یابی به آن دست زد، در عین صحتش، نباید مانع بهره‌گیری از مطالب صحیح و اصیلی شود که در کتب متون اسلامی موجود است. تهیه معجمها، قدمی است در راه تصحیح محرفات و اسرائیلیات در سنت و تاریخ اسلامی؛ زیرا با استخراج موضوعات گوناگون و قرار دادن آنها در کنار یکدیگر امکان مقایسه و نتیجه‌گیری بهتری فراهم می‌آید و امکان عرضه آنها به کتاب محکم و سنت مسلم بیشتر و راه تشخیص سره از ناسره هموارتر میشود. این نکته از آن‌رو حائز اهمیت است که علمای متقدم اسلامی در تشخیص صحت حدیث، کمتر بدنبال تصحیح تک‌تک رجال آن بودند و بلکه صحیح یا ناصحیح بودن آن را با توجه به مجموعه قرائنی که از کتاب و سنت مسلم و سایر ضروریات دینی بدست می‌آمد، تشخیص میدادند، لذا تألیف معجمهای لفظی و موضوعی در ارزیابی سنت به این روش، به یاری محقق اسلامی خواهد شتافت.

۵. عدم عادت به استفاده از کتب کلید: عدم رشد علوم تجربی، پراکنندگی و ازهم‌گسیختگی موضوعات و مواد علوم در شرق، سبب شده است که مجامع اسلامی کمتر در فضای فنی و تخصصی و تحقیقی متناسب با این روشها قرار گیرند و نهایتاً لزوم استفاده از چنین روشهای علمی را کمتر احساس کنند.

۶. ترس از وقوع در آفات معجمها: ترس از تقطیع آیات و احادیث و تمایل به احتراز از برخوردهای موضوعی با قرآن کریم و سنت، همواره در اندیشه گروهی از علمای

مسلمان وجود داشته است. برخی نیز احتراز از برخوردهای لفظی یا موضوعی با کتاب و سنت را برای احتراز از تفسیر به رأی، واجب دانسته‌اند؛ زیرا این خطر وجود دارد که با تقطیع جملات صادره از منبع وحی یا عصمت، قرائن موجود در کلام از دست برود و مخاطب در پی بردن به مراد متکلم بی‌یاور ماند. باید گفت سوءاستفاده از یک اقدام بجا و لازم و نیز احتمال وقوع در چنین اشتباه علمی نباید مانع انجام آن شود؛ چنان‌که هر اقدام نیکوی دیگری هم در این عالم می‌تواند مورد سوءاستفاده قرار گیرد.

۷. **رواج حفظ قرآن در میان محققان:** شاید سبب تأخیر در گردآوری اینگونه تألیفات نسبت به سایر آثاری که پیرامون قرآن تحقیق و تألیف شده‌اند، این باشد که از قدیم محققانی که با علوم قرآنی سروکار داشته‌اند، حافظ قرآن کریم نیز بوده‌اند؛ بطوریکه بمحض عرضه لفظی از یک آیه، یافتن محل آن در قرآن، برایشان دشوار نبوده است.

۸. **تغییرات مکرر شماره صفحات کتب اصلی در چاپهای مجدد:** این اشکال، سالهای طولانی، از موانع بزرگ تهیه کتب کلید بشمار می‌آمده، که اخیراً با پیدایش نمونه‌های چاپی بسیار خوب و رواج افست و روشهای جدیدتر بنحو چشمگیری کاهش پیدا کرده است؛ بعنوان نمونه میتوان به کتاب *الكاشف عن ألفاظ نهج البلاغه* اشاره کرد زیرا تغییراتی که در چاپ جدید *نهج البلاغه* فیض الاسلام راه یافته کار مؤلف *الكاشف* را مخدوش ساخته و او را مجبور کرده است برای پرهیز از افزودن راهنمای چاپ جدید و حروف چینی و فیلم و زینگ دوباره کتاب، چاره‌جویی کند. او توضیح داده که استفاده کنندگان از چاپ جدید *نهج البلاغه* فیض، لازم است به هر صفحه از صفحات ذکر شده، عدد نه را بیفزایند؛ زیرا در تجدید چاپ *نهج البلاغه* مزبور، نه صفحه به مقدمه کتاب افزوده شده است. به سبب همین تغییراتی که در چاپهای مجدد یک کتاب رخ می‌نماید، مؤلف مجبور شده به جای دوازده شرح یا ترجمه موجود از کتاب، هجده کتاب را فهرست کند و مطابق آنها آدرس بدهد؛ زیرا مثلاً از *نهج البلاغه* ابن ابی‌الحدید، چهارچاپ مختلف را در فهرست خود آورده است.

زمینه‌های کار معجم‌نویسی

بطور کلی میتوان گفت که کتابهای تألیف‌یافته در همه موضوعات میتوانند زمینه‌ای برای تهیه یک معجم باشند. خصوصاً در دنیای متنوع و پرموضوع معاصر که کتابخانه‌های بزرگی به مساحت هزاران متر مربع و با گنجایش میلیونی کتاب در سراسر جهان گسترده شده است، معجمهای لفظی و موضوعی میتوانند بهترین کلید برای گشودن درهای علوم بشری بر روی محققان معاصر باشند؛ از این قبیل است: کلیه متون اصیل مذهبی هم‌چون قرآن کریم، احادیث قدسی، کتب عهدین، مجموعه‌های اصیل از احادیث اهل بیت (علیهم السلام)، کتب معتبر تاریخی، کتب اصلی در موضوعات فقه، اصول، اخلاق، ادبیات، تفسیر، سیاست، هنر، علوم و فنون، شناخت جهان و هم‌چنین تهیه کلیدهای موضوعی برای نظریات تربیتی، اقتصادی، اجتماعی و سیر تحول آنها، تئوری‌ها و نظریات پزشکی و فنی، قوانین و مقررات مصوبه مجلس، هیئت دولت و قوه قضاییه در مقاطع مختلف تاریخ ایران و جهان، نیز فهرستهای موضوعی برای کتب منتشره، مقالات مطبوعات، سخنان مشاهیر اسلام و جهان و خلاصه، سیر تاریخی اندیشه‌ها و عقاید علما، فقها، اصولیان، احزاب و گروه‌ها، سیاست‌مداران و... همگی میتوانند زمینه‌های مناسبی برای تهیه معجمهای لفظی و خصوصاً موضوعی باشند. برای مثال فقط به ذکر اسامی چند کتاب بسنده میکنیم: کتاب‌شناسی موضوعی تاریخ ایران، فهرست مقالات جنگ تحمیلی، فهرست مقالات انقلاب اسلامی در مطبوعات ایران، راهنمای تاریخ تمدن ویل دورانت، الفهارس الفنیة للمحجة البيضاء فی تهذیب الإحیاء، کتاب‌نامه زن، کتاب‌شناسی امپریالیسم، دلیل المیزان، مفتاح المیزان و...

روشهای تقلیل حجم کتب کلید

کاهش حجم کتب کلید چند فایده دارد: نگهداری و استفاده از آن آسانتر میشود؛ آماده‌سازی فنی و چاپ آن با سرعت زیادتری به انجام میرسد و در نتیجه در زمان کوتاهتری در اختیار بهره‌برداران قرار میگیرد؛ هزینه آماده‌سازی و چاپ و کاغذ آن کمتر میشود و در نتیجه ناشر، خصوصاً ناشر بخش خصوصی رغبت بیشتری به انتشار سریع

آن از خود نشان می‌دهد. از این رو هر قدر حجم این کتب کمتر باشد، رواج بیشتری خواهد یافت.

در اینجا، برخی از روشهای کاهش حجم کتابهای کلید را مورد بررسی قرار می‌دهیم. این بررسی به تفکیک در دو گروه معجمهای لفظی و موضوعی صورت می‌گیرد.

الف. معجمهای لفظی

در معجمهای لفظی اصل بر این است که هر عبارت یا جمله، به تعداد کلماتی که در آن هست، و هر بار به ازای یکی از آن کلمات، تکرار شود؛ چنان‌که در مورد المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم تألیف «فؤاد عبدالباقی» به همین شکل عمل شده است؛ مثلاً آیه مبارکه «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا»، که متشکل از شش واژه (بدون احتساب حرف علی) است، شش‌بار، بترتیب در صفحات ۱۳، ۴۳، ۱۸۳، ۶۵، ۵۲۱، ۵۴۸ ذکر شده است. از آن‌جا که برای کتب حجیمتر از قرآن نیز معجمهایی تهیه شده و میشود، تکرار جملات به شیوه مذکور، معجمها را بیش از اندازه مفصل میکند؛ لذا هر یک از مؤلفان معجمهای لفظی، ابتکاراتی برای تقلیل حجم کتابهای کلید به کار برده‌اند؛ که در ادامه به ذکر برخی از این موارد می‌پردازیم.

۱. حذف الفاظ غیر مفید: تقریباً در تمام معجمهای لفظی، از فیش کردن کلماتی که برای محقق بیفایده یا کم فایده است، صرف نظر شده است؛ مانند حرف تعریف (ال) و سایر حروف (س، الی، منذ، حتی و...)، اسامی اشاره (هَذَا، هَذِهِ و...)، اسامی موصول (الذی، الّتی، الذین، من و...)، ضمائر منفصل و متصل (انت، نحن، کم، تم و...)، ظروف (قبل، بعد، عند و...)، ادوات شرط (إِنْ، مَنْ و...)، ادوات استفهام (هَلْ، لِمَ، لِمَاذَا و...)، افعال ناقصه (کان، صار، بات و...)، حروف مشبّهة بالفعل (إِنَّ، کَانَ و...)، ما ولای مشبّهة بلیس، لای نفی جنس، نواصب، جوازم و... باید گفت که این کلمات در معجمهای مختلف برحسب موضوع آن تفاوت دارد؛ برای مثال ممکن است در معجمی که برای یک کتاب حدیث تهیه میشود از فهرست کردن کلمه «قال» صرف نظر

شود؛ زیرا این واژه در هر حدیث حداقل یک بار قید میشود و ذکر آن در معجم فایده کمی دارد.

۲. **ذکر نشانی عبارت:** گاهی به نقل نشانی، بدون آوردن حتی کلمه‌ای از عبارت مورد نظر اکتفا میشود. کشف‌الآیات چاپ‌شده در آخر بعضی از قرآن‌ها و کتاب *نجوم‌الفرقان* تألیف «گوستاو فلوگل» و کتاب *فهارس القرآن* تألیف محمود رامیار نمونه‌هایی هستند که از روش مذکور تبعیت کرده‌اند.

۳. **ذکر ناقص عبارات یا صدر و ذیل آن:** برخی با ذکر بخش ابتدایی عبارات بنحوی که به قول عربها لا یصحُّ السکوتُ علیها نقلها را مختصر میکنند. برخی نیز کلمات وسط جمله را حذف و فقط به ذکر صدر و ذیل آن بسنده میکنند و بجای کلمات محذوف سه نقطه میگذارند. برای ذکر جمله‌های ناقص میتوان نمونه *المعجم المفهرس لألفاظ الحدیث النبوی* را نام برد و برای ذکر صدر و ذیل جمله در بعضی موارد میتوان از کتاب *المعجم المفهرس لألفاظ نهج‌البلاغه* تألیف «محمد دشتی» یاد کرد.

۴. **ذکر مطلب برای یکبار و ارجاع سایر موارد به آن:** در این روش تمام مطلب را یک بار ذکر میکنند و موارد دیگر را به آن ارجاع میدهند. با این کار لازم نیست یک جمله بدفعات و به تعداد کلماتی که دارد، ثبت شود، بلکه فقط در یک صفحه به صورت کامل ضبط میشود و در سایر موارد، فقط شماره صفحه مذکور ذکر میشود؛ به این ترتیب محقق در صورت نیاز به جمله کامل، به محل درج جمله مراجعه میکند. استفاده از این روش سبب شده که حجم کتاب *معجم الفاظ اصول کافی* به یک پنجم، تقلیل یابد و گرنه اینک شاهد معجمی با حدود سه هزار و دویست صفحه بودیم. نویسنده *معجم الفاظ وسائل الشیعه* نیز از این روش سود جسته است.

۵. **یک بار ثبت برای جملات تکراری در یک صفحه:** راه‌حل بعدی برای تقلیل حجم معجم‌های لفظی این است که اگر جمله‌ای یا نامی در یک صفحه، چند بار تکرار شده باشد، فقط یک بار ثبت می‌شود؛ مثلاً اگر یک حدیث از دو راوی رسیده، یا عبارتی از حدیث بصورت دو جمله کاملاً مشابه در ابتدا و انتهای حدیث تکرار شده باشد، فقط

یکبار فیش میشود؛ زیرا فرض بر این است که با یافتن جمله مزبور در کتاب کلید، خودبه‌خود به جمله دیگر نیز راهنمایی شده است. در مورد اعلام نیز همچنین است. اگر نام شخص یا مکان یا سایر اعلام در یک صفحه چند بار تکرار شده باشد، فقط یک نشانی برای راهنمایی خواننده کافی است. این روش در معجم *الفاظ حدیث شیعہ* که در قم برای مجموعه *بحارالانوار* تهیه شده، رعایت شده است.

۶. **استفاده از علایم اختصاری:** از روشهای مؤثر دیگر در کاهش حجم معاجم، بهره گرفتن از علامتهای اختصاری است. این روش در معجمهای موضوعی نیز کاربرد دارد.
ب. **معجم‌های موضوعی**

در این دسته از معجمها نیز برای کاهش حجم از روشهای زیر استفاده شده است:

۱- **ذکر نشانی عبارت:** فقط به ذکر نشانی، بدون نقل حتی کلمه‌ای از مطلب، اکتفا میشود؛ برای نمونه میتوان از کشف‌المطالب چاپ شده در آخر بعضی از قرآنها نام برد. در این معجمهای کوچک آدرس ۶۵۰ موضوع قرآنی فقط در ۲۵ صفحه تنظیم شده است. اگر بخواهیم نمونه دیگری را نام ببریم که در آن از این روش استفاده شده باشد، می‌توانیم از فهرست موضوعی چاپ‌شده در آخر کتاب *نهج‌الفصاحه* یاد کنیم.

۲. **یک بار ذکر مطلب و ارجاع موارد دیگر به آن:** یک بار مطلب بتمامی ذکر و در سایر موضوعات، به آن یا کتب دیگری که حاوی مطلب مشابه است ارجاع داده میشود. از این گروه میتوان به کتاب *منتخب الأنوار* و همچنین مجموعه *ارزشمند میزان الحکمة* و کتاب *الجامع لمواضيع آیات القرآن الکریم* اشاره کرد.

البته روشهای دیگری نیز برای کوچک‌سازی معجمهای لفظی و موضوعی بکار میرود که در این مختصر نمی‌گنجد.

مراحل تحقیق بر روی یک موضوع در منابع و متون اسلامی

برای انجام یک تحقیق بر روی یک موضوع اسلامی باختصار میتوان گفت اگر حدیث ثقلین «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي» را مبنای یک تحقیق اسلامی

و منابع آن قرار دهیم و مهمترین ذخائر فرهنگی باقیمانده از رسول اکرم (ص) و اهل بیت مکرّم ایشان (ع) را قرآن و حدیث (و سنت) بدانیم طبیعی است که اولین مرحله تحقیق ورود به قرآن کریم است؛ در این مرحله کتبی که به دسته‌بندی و موضوع‌بندی لفظی یا موضوعی قرآن کریم پرداخته‌اند، یاور محقق خواهند بود. کتب فرهنگ لغات قرآن کریم و آنچه را هم که در شأن نزول آیات وارد شده است، در این مرحله از دسته‌بندی، جای می‌دهیم. بخشی از کارهای تحقیقی اولیه، مانند کشف ارتباط بین آیات و بررسی‌های آماری و نتایج حاصل از دقت در مکی یا مدنی بودن آیات را نیز میتوان جزء همین مرحله به حساب آورد.

مرحله دوم مراجعه به تفاسیر قرآن کریم است. مسلماً مراجعه به تفاسیر اثری (تفاسیر مأثور یا تفاسیری که در ذیل آیات صرفاً به نقل روایات و احادیث تفسیری مرتبط به آیه بسنده کرده است) مقدم بر تفاسیر اجتهادی، عقلی، علمی و دیگر انواع تفاسیر است. بنابراین مراجعه به تفاسیری مانند تفسیر برهان و تفسیر نورالتقلین مقدم بر دیگر تفاسیر است. مرحله مراجعه به تفاسیر دیگر بلافاصله بعد از این مرحله است و انواع تفاسیر میتواند در این مرحله مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. تا اینجا میتوان گفت مراجعه به کتاب‌الله انجام شده است و نوبت به عترت و تحقیق در احادیث معصومان (ع) میرسد.

مجموعه‌های حدیثی فراوانی در گنجینه ذخایر حدیث اسلامی موجود است که بعضاً منقول از یک گوینده معصوم و بعضاً جوامع حدیثی منقول از بیش از یک معصوم (ع) است. کتابهای حاوی احادیث قدسی مانند کتاب کلمة‌الله و کتاب الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه کتابهای در بردارنده سخنان پیامبر اکرم (ص) مانند «نهج الفصاحه»، کتابهای ناقل سخنان مولای متقیان علی (ع) مانند نهج البلاغه و غررالحکم و درر الکلم و سایر کتبی که حاوی سخنان یک معصوم است در این مرحله جای میگیرند.

کتب جوامع حدیثی که حاوی سخنان تعداد بیشتری از معصومان (ع) است به موازات همین مرحله قابل بررسی و مطالعه است. مجموعه‌هایی مانند بحار الأنوار، کافی،

وسایل الشیعة، کتب اربعه شیعه، صحاح سته، کنز العمال و دیگر جوامع حدیثی نیز در مرحله مراجعه به احادیث قابل توجه و اهمیت است.

برای تکمیل تحقیق و افزودن به وجوه و ابعاد یک کار تحقیقی و مطالعاتی، بجاست که محقق با مراجعه به دائرةالمعارفها، کتب تاریخی، کتب ادبی، و دیگر کتبی که مظان یافتن مطالبی تازه پیرامون تحقیق است، به توانمندی خلق یک اثر عمیق، متنوع، تازه و چند بعدی، نائل شود.

انواع کلیدها

اگر بتوان کتابهای فرهنگ لغت و کتب مشابه را نیز نوعی کتب کلید به حساب آورد، انواع کلیدها به شرح زیر میشود: ۱. فرهنگ لغت‌ها ۲. فرهنگ اصطلاحات ۳. فرهنگ ضرب‌المثلها ۴. دائرةالمعارفها ۵. فهرست اعلام ۶. کشف الابیاتها که میتواند در پایان دواوین شعر- مثل دیوان حافظ انجوی، یا به صورت مستقل، مثل کتاب ۴ جلدی از دریا به دریا که کشف الابیات مثنوی است، چاپ شود. ۷. مجموعه‌های موضوعی کتب، مثل کتاب مجموعه موضوعی کتابهای تاریخی و سیره، کتاب کتاب‌شناسی امپریالیسم و کتاب گزیده کتاب‌شناسی توصیفی اسلامی. ۸. کلیدهای خاص که هر کدام برای کتابی خاص تهیه شده‌اند. این کلیدها دو دسته‌اند: یا موضوعی‌اند یا لفظی. کلیدهای لفظی نیز یا برحسب ریشه لفظ مرتب شده‌اند یا برحسب هیئت آن (ترتیب ابجدی). هریک از این دو روش تنظیم، فواید و کاستیهای خاص خود را دارد. ترتیب ماده‌ای یا ریشه‌ای به کار محققان بیشتر می‌آید، اما گاهی یافتن ریشه کلمات خصوصاً کلمات دخیل در عربی آسان نیست؛ ازاین‌رو معجم‌نگاران جدید اغلب کار را بر اساس ریشه کلمات سامان می‌دهند و یک فهرست راهنمای الفبایی بر اساس هیئت لفظ را نیز به کتاب ضمیمه می‌کنند. ۹. کلیدهای تهیه‌شده برای منابع و متون اسلامی (قرآن و عترت) در این دسته جای می‌گیرند. کلیدهای تهیه‌شده برای قرآن، نهج‌البلغه، صحیفه سجادیه، کافی، المیزان، الدرر، الغدیر، تاریخ تمدن و غیره در زمره کلیدهای خاص به حساب می‌آیند.

نتیجه

باتوجه به آنچه که گفته شد لازم است قدم‌های مؤثری در نوشتن و غنی‌تر کردن معجم‌های مختلف برداشته شود چراکه این معجم‌ها راه نویسنده و محقق را برای رسیدن به قله‌های علم و معرفت کوتاه و کوتاهتر کرده و عصای دست ایشان در پیمودن این راه ناهموار و پر پیچ‌وخم میشوند. نیاز به اصلاح شیوه‌های قدیمی و دستیابی به روشهایی که استفاده از معجم‌ها را سودمندتر و رایجتر و با دوران معاصر متناسبتر کند، بسیار ضروری مینماید. بر کسانی که لزوم رواج چنین آثاری را به خوبی درک کرده‌اند، فرض است که گام‌های مؤثرتری را در جهت تولید کتب کلید متون اسلامی بردارند و با مطرح کردن نقش، کارکرد و اهمیت این کتابهای کلیدی، رغبت اندیشمندان را به استفاده بیشتر از آنها برانگیزند.

منابع:

- آمدی، عبدالواحدین محمد تمیمی، معجم ألفاظ غررالحکم و دررالکلم، ترجمه و تصنیف مصطفی درایتی، موسسه فرهنگی _ پژوهشی الجواد ضریح آفتاب، مشهد، ۱۳۸۱ش.
- ابن‌عبدالله القسطنطینی، مصطفی، کشف الظنون عن أسامي الكتب والفنون، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه، بیروت، ۱۹۹۲م.
- رامیار، محمود، فهارس القرآن، انتشارات صابرین، تهران، ۱۳۷۹ش.
- علمی‌زاده، فیض‌الله، فتح الرحمن لطالب آیات القرآن، نشر دارالعربیة للکتاب، تونس ۱۹۸۲م
- قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، نشر فراهانی، تهران، ۱۳۶۳ش.
- مصطفوی خراسانی، سید جواد، مفتاح الوسائل، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳ش.
- _____، الکاشف عن ألفاظ نهج البلاغه، نشر دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ق.
- مطهری، مرتضی، انسان کامل، چاپ نوزدهم، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۷۷ش.
- ونسک، آرنه یان، مفتاح کنوز السنه، ترجمه محمد فؤاد عبدالباقی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.